

شیوه‌های ادبی ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن کریم

آرش امرایی^۱: استادیار، گروه علوم پایه و دروس عمومی، دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر
علی بازوند: استادیار، گروه ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم
سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۶۵-۸۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۵/۰۸

چکیده

از آنجا که قرآن کریم منبع بی‌پایان اندیشه‌های اخلاقی، انسانی و تربیتی است، بسیاری از شاعران و نویسندگان فارسی زبان، همواره در خلق آثار خود از این گنجینه‌ی پرفیض بهره برده‌اند. همین آمیختگی میراث مکتوب فارسی با آموزه‌های اسلامی، موجب دشواری درک این میراث بدون آشنایی با قرآن و حدیث شده است. ناصر بن خسرو قبادیانی یکی از شاعرانی که شعر را در خدمت ترویج افکار دینی و مذهبی خود قرار داده است؛ برای پیشبرد این اهداف و به انجام رساندن مأموریت مذهبی شعر خود، اشعارش را به این آیات نورانی آراسته است. با توجه به آبخشور مذهبی ناصر خسرو، اشعارش در برگزیده هدایت‌های اخلاقی و نصایح فراوانی است. ناصر خسرو با تسلط مناسب بر مفاهیم قرآنی و هنرمندی تمام و با بهترین شیوه ممکن، گاه از اصل آیه یا بخشی از آن و زمانی هم از مفهوم و معنای آن بهره برده، با استفاده از آیات قرآن به گونه‌های متنوعی بهره می‌برد و شعر خود را به آیات مقدس قرآن می‌آراید؛ همین موجب اثر بخشی بیشتر سخنان وی شده است. در این مقاله با بررسی همه دیوان ناصر خسرو و با استفاده از جدول‌های آماری، گونه‌های مختلف انعکاس آیات در دیوان ناصر خسرو تحلیل می‌شود. همچنین نشان داده خواهد شد که مهم‌ترین دلایل استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن، همراهی ذهنی و زبانی با این کتاب مقدس و همچنین تبیین اهداف و افکار خود با استفاده از نفوذ و پذیرش قرآن در بین مسلمانان است؛ وی با این شیوه، خواننده را متوجه ضرورت پذیرفتن سخنان خود می‌کند؛ چراکه این سخنان در واقع برگرفته از قرآن کریم و به نوعی بیان شاعرانه این مفاهیم است.

کلیدواژه‌ها: ناصر خسرو، شیوه‌های انعکاس، تأثیر قرآن، آیات.

۱. مقدمه

پس از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، قرآن و مفاهیم الهی آن در فرهنگ عربی به نحو قابل توجهی تأثیر گذاشت و این تأثیر تا اندازه‌ای بود که بسیاری از لهجه‌های موجود در حجاز را از صحنه خارج کرد؛ در این زمان در بین اعراب کم‌تر پدیده اجتماعی‌ای را می‌توان یافت که رنگ و بوی قرآن و سنت نداشته باشد. (سبزیان‌پور، ۱۳۸۳، ص. ۹۶) علاوه بر این با ورود اسلام به همه مناطق تحت نفوذش، تأثیری عمیق بر زبان، زندگی و فرهنگ آن مردم داشت؛ یکی از مناطقی که اینگونه از اسلام تأثیر پذیرفت ایران بود.

از هنگام ورود اسلام به ایران، زبان عربی نیز به‌عنوان زبانی که معارف دینی تازه‌ای را به ایرانیان ارائه می‌کرد، به طور جدی‌تر در ایران پذیرفته شد. هرچه بر عمر اسلام در ایران افزوده می‌شد، نفوذ زبان عربی نیز در بین مردم ایران نیز بیشتر می‌شد. از این روی ورود اسلام به ایران و به دنبال آن تسلط سیاسی اعراب بر ایران موجب آشنایی و در بسیاری از موارد اتساع طبقه‌ی تحصیل کرده ایران با زبان عربی شد؛ همچنین در مکتب‌خانه‌ها قرآن و زبان عربی به‌عنوان علوم مقدماتی آموخته می‌شد؛ و به این ترتیب شعرا و نویسندگان پیش از هر چیز دیگر بر منبع بی‌پایان علوم، یعنی کلام

نورانی وحی مسلط می‌شدند و قرآن را می‌آموختند. از این روی آگاهی شعرا و نویسندگان از زبان عربی، بر زبان شعری و شیوه‌ی نگارش آن‌ها تأثیر گذاشت؛ اینان خود آگاه و یا ناخود آگاه موجب ورود لغات و تعییرات زبان عربی به زبان فارسی شدند. از آنجا که زبان عربی زبان دین اسلام بود و برخی شعرا و نویسندگان از جمله خطیبان و تبلیغ کنندگان دین اسلام و آموزه‌های آن بودند، بی‌گمان از آیات نورانی قرآن بی‌بهره نمی‌ماندند؛ «از آنجا که میزان و معیار سخن فصیح و بلیغ، قرآن شناخته می‌شد، شعرا و نویسندگان می‌کوشیدند تا الفاظ و ترکیبات قرآن را در نوشته‌های خود بکار برند و نیز از معانی و مضامین آن اقتباس کنند.» (محقق، ۱۳۷۴، ص. ۱)

یکی دیگر از مهم‌ترین دلایلی که می‌توان برای استفاده شعرا از آیات قرآن و یا اقتباس از آن‌ها برشمرد، این است که مردم مسلمانی که فلاح و رستگاری را در پیروی از آیات قرآن می‌دانستند و همچنین به اندازه کافی با معارف و فرهنگ قرآنی آشنا شده بودند، کلام آمیخته با آیات قرآن را بیشتر از هر کلام دیگری می‌پسندیدند و از آن لذت می‌بردند، با مطالعه آن بخشی از معارف اسلامی و آیات قرآن را به شیوه‌های ملموس و نزدیک می‌آموختند.

آنچه در اینجا ضروری است به آن اشاره شود این است که قرن سوم آغاز ورود قرآن و حدیث به شعر و ادب فارسی است. شاعران و نویسندگان فارسی زبان ابتدا از واژه‌های برگرفته از قرآن و حدیث در شعر خود استفاده کردند و به دنبال آن هر چه بر آشنایی آن‌ها به زبان عربی و قرآن و حدیث افزوده می‌شد، شیوه‌های استفاده و اثرپذیری از قرآن و حدیث نیز متنوع‌تر شد. (یوسفی، ۱۳۸۷، ص. ۱)

ناصر خسرو یکی از شعرایی است که تربیت شده‌ی مکتب‌خانه‌هایی است که ابتدا قرآن را به شاگردان خود می‌آموختند؛ از این رو وی نیز همانند بسیاری دیگر از شاعران و نویسندگان هم‌عصرش زبان عربی و قرآن را در همان سال‌های آغازین تحصیل خود به‌خوبی آموخته بود. از آنجا که ناصر خسرو بیش از هر هدف و غرض دیگر به دنبال اهداف تربیتی و اصلاحی بود، منبعی شایسته‌تر از قرآن برای ارائه به مخاطبان خود نمی‌دید، به همین خاطر در بیان مطالب اخلاقی و تربیتی و مذهبی خود اغلب بخشی از قرآن را جاشنی کار خود کرده است تا ضمن بیان تسلط خود بر قرآن، مخاطب را به پذیرش نصیحت‌های خود مجاب کند. ناصر خسرو قرآن را از بر داشته است؛ خود در دیوانش به این نکته اشاره کرده است؛ آنجا که می‌گوید:

مقرّم به مرگ و به حشر و حساب کتابت زبر دارم اندر ضمیر (دیوان اشعار، ناصر خسرو، ص. ۴۰)

این امر یکی از مهم‌ترین دلایلی است که در همه‌جا و همه‌وقت قرآن انیس و مونس جان و زبان وی باشد؛ همان‌طور که خود نیز به این موضوع اشاره کرده است:

خواندن فرقان و زهد و علم و عمل مونس جانند هر چهار مرا (همان، ص. ۱۲۵)

مطابق آنچه خود ناصر خسرو می‌گوید، هم‌نشینی با قرآن برای او همیشگی بوده، در عمل نیز پیرو

بی چون و چرای تعالیم و دستورات قرآنی بوده است. خواندن فرقان و زهد و علم و عمل مونس جانند هر چهار مرا (همان، ص. ۱۲۵)

این همراهی و هم‌نشینی همیشگی ناصر خسرو با قرآن، موجب تسلط ویژه وی بر لفظ و معنای آن شده است؛ از این رو آیات قرآن را به شیوه‌های مختلفی در دیوان خود به کار می‌گیرد. اگر به شیوه‌های استفاده ناصر خسرو از آیات دقت شود، خواهیم دید که ناصر خسرو هرگاه می‌خواهد نکته‌ای دینی و اخلاقی را بیاموزد، آن را به آیه‌ای از آیات قرآن محکم می‌کند و این گونه به خواننده خود متذکر می‌شد آنچه را که ذکر کرده، منطبق بر آیات و دستورات الهی است از این روی پیروی از آن موجب رستگاری او می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی پژوهش‌های متنوعی انجام شده است. در این بخش به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. از جمله می‌توان به کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» نوشته آقای سید محمد راست‌گو، کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» نوشته آقای علی اصغر حلبی اشاره کرد. آقای رضا روحانی در مقاله‌ی «قرآن و تأویل آن از دیدگاه ناصر خسرو» نیز نکاتی در مورد تأویل قرآن از دیدگاه ناصر خسرو بیان کرده است اما به شیوه‌های استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن اشاره‌ای نکرده است.

همچنین مقاله‌های زیادی در مورد تأثیر قرآن و حدیث در آثار شاعران فارسی زبان نوشته شده است. از جمله می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد که هر کدام به شیوه‌ای تأثیرپذیری شعر شاعری را از قرآن و حدیث بررسی کرده‌اند؛ همانند: «تصویرهای قرآنی در آثار منظوم جامی» سید محمد رادمنش، «جایگاه قرآن و حدیث در شعر فارسی سده سوم و چهارم هجری» باقر قربانی زرین و... با وجود انجام کارهای زیادی که در مورد تأثیر قرآن و حدیث در شعر شاعران فارسی زبان صورت گرفته است و با در نظر داشتن استفاده گسترده‌ی ناصر خسرو از آیات و احادیث اما متأسفانه تاکنون اثر مستقلی در این خصوص منتشر نشده است.

۳. ناصر خسرو و دیوانش

ابو معین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی معروف به ناصر خسرو، فیلسوف، حکیم، جهانگرد و شاعر برجسته قرن پنجم (۳۹۴-۴۸۱ هجری) در قبادیان بلخ متولد شد. ناصر خسرو از جمله شاعرانی است که با حدوث اتفاقی، مسیر زندگی‌اش تغییر کرد. پس از خوابی که خود در ابتدای سفرنامه‌اش آن را به اجمال بیان کرده است، قدم در مسیری نهاد که همه‌ی زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار داد و سفری دور و دراز را آغاز کرد. در مسیر این سفر که هدف نهایی‌اش زیارت خانه کعبه بود، برای مدتی در مصر ساکن شد؛ در این هنگام مصر تحت حکومت خلفای فاطمی بود. در طول اقامتش

در مصر تحت تعلیم فاطمیان مصر قرار گرفت و به مرتبه «حجت» دست یافت؛ سپس راه رفته را بازگشت و تبلیغ دینی خود را آغاز کرد. همین تبلیغ آرامش را از زندگی او گرفت و برای در امان ماندن از تعقیب سلجوقیان، چندی از این شهر به آن شهر خود را از نظرها پنهان داشت تا در نهایت به دعوت امیرعلی بن اسد امیر محلی بدخشان در دره یمگان بدخشان ساکن شد و تا پایان عمر در همان جا باقی ماند. ناصر خسرو از اغلب علوم زمان خود از جمله فلسفه، کلام، نجوم و... آگاهی داشت؛ وی همچنین کل قرآن را از حفظ داشت (صفا، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۴۳). ناصر خسرو علاوه بر دیوان و سفرنامه معروفش، آثار دیگری نیز داشت از آن جمله می‌توان به رهایش و گشایش، خوان اخوان، وجه دین، زادالمسافرین، جامع الحکمتین اشاره کرد.

هر چند نمی‌توان دیگر آثار ناصر خسرو را از نظر پنهان داشت، اما به جرئت می‌توان گفت دیوان ناصر خسرو بهترین و سرشارترین اثری است که ناصر خسرو آفریده است. دیوان او دارای فراز و فرودهای فراوان است و حاوی تجربه‌های حکمیانه‌ی ناصر خسرو است.

دیوان ناصر خسرو بسیار مورد توجه و اقبال دوست‌داران زبان و ادبیات فارسی قرار گرفته است. این دیوان را می‌توان فخامت و استواری کلام و هنر والای شاعری وی دانست. همچنین صدافتی که به‌وضوح در دیوان او دیده می‌شود، بیانگر اعتقاد راسخ وی به هرآن چیزی است که گفته است؛ چرا که ناصر خسرو از صمیم قلب به آنچه می‌گوید باور دارد و سخن چون از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. (نوریان، ۱۳۸۲، ص ۲۸۰)

همان گونه که ذکر شد ناصر خسرو در آفرینش اشعارش پیرو یک مسیر خطی نیست؛ در دیوان او ابیات و اشعار متوسط و ضعیف نیز مشاهده می‌شود. هدف نهایی و غایی ناصر خسرو در سرودن شعر، رساندن پیام معنوی و دینی است؛ یعنی او شعر را دارای رسالتی دینی و معنوی می‌داند و در راه رسیدن به این رسالت گام برمی‌دارد؛ از این روی توجه او بیش از هر چیز دیگر، به هدفی است که محرک سرودن آن شعر شده است و ابزار این کار یعنی زبان و قالبی که ابیات را در آن ریخته گاه فدای هدف و پیام شعر می‌شود.

زبان شعری ناصر خسرو در دیوانش زبانی کهنه است؛ به بیان دیگر زبان شعری ناصر خسرو همپای دیگر شاعران هم عصرش تغییر نکرده است و مشخصات زبانی کهنه‌تر از زمان ناصر خسرو را دارد؛ از این رو می‌توان گفت زبان ناصر خسرو از زبان خود قدیمی‌تر و عقب‌تر است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل این موضوع دور کردن خود از جامعه باشد. همین موجب شد تا زبان او به‌تناسب زمانش تغییر نکرده؛ در همان سطح قدیمی و پیشین خود باقی بماند؛ هر چند برای کهنگی زبان ناصر خسرو دلایلی دیگر از جمله فیلسوف بودن او را نیز عنوان می‌کنند اما به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل همان دلیل نخست باشد.

۴. شیوه‌های استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن

تسلط ناصر خسرو بر قرآن و همچنین خواست قلبی او برای پیشبرد اهدافش در راستای تعالیم قرآنی،

موجب شده است تا قرآن برای او منبع بی‌پایانی از تعالیم و دستورهای باشد که ناصر خسرو خود و شعرش را وقف گسترش و استفاده‌ی مردم از آن‌ها کرد. همین موضوع موجب می‌شد تا وی همه‌ی همت و توان خود را در استفاده از آیات قرآن به کار ببندد و به شیوه‌های متنوع از آیات قرآن بهره ببرد. استفاده‌های ناصر خسرو از قرآن گاه به استفاده از یک واژه‌ی قرآنی محدود می‌شود و زمانی هم مفهوم و مضمون آیه یا آیاتی دستمایه‌ی آفرینش ادبی او می‌شود. ناصر خسرو به هر شیوه و یا روشی که از قرآن استفاده کرده باشد، به نحوی شایسته مطلب را به هم پیوند زده است و این خود دلیلی برای تسلط و آشنایی کامل او با لفظ و مفهوم قرآن است. ذکر همه آیات ناصر خسرو که به‌نوعی برگرفته از آیات قرآن هستند، کاری دشوار است که در این مقاله نمی‌گنجد؛ از این رو برای بیان شیوه‌های متنوع ناصر خسرو در بهره بردن از آیات قرآن تنها به ذکر نمونه‌هایی بسنده شده است.

۴-۱. اثرپذیری واژگانی

همان‌گونه که از عنوان این شیوه یعنی بهره‌گیری از آیات قرآن بر می‌آید، بهره‌گیری از این شیوه به این صورت است که تنها مفردات واژه‌های قرآنی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع ناصر خسرو ضمن بهره بردن از خود واژه‌ی قرآنی، به‌نوعی متذکر می‌شود که از این آیه و مفاهیم آن آگاهی داشته و در شعر خود به‌خوبی از آن بهره برده است. در این شیوه اثرپذیری، شاعر در به‌کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن و حدیث است، یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند و مستقیم یا غیرمستقیم، توسط خود شاعر یا دیگران به زبان و ادب فارسی راه یافته‌اند. (موسوی و ذوالفقاری، ۱۳۸۴، ص. ۲۰)

آشنایی ذهنی ناصر خسرو با مفردات قرآنی موجب شده است تا از این واژه‌ها همچون لغات و عبارات فارسی استفاده کند. این واژه‌ها گاه به‌تنهایی بار معنایی و هدف نهایی بیت را بر دوش می‌کشند و زمانی هم تنها به‌عنوان یک واژه که توسط خود شاعر و یا دیگر شاعران وارد زبان فارسی شده مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده ناصر خسرو از واژه‌های قرآنی فراوان و در جای‌جای دیوان ناصر خسرو پراکنده شده‌اند لذا در این مقاله تنها به چند مورد آن اشاره می‌شود.

ای یار سرود و آب انگور نه یار منی بحقٍ والطور (دیوان اشعار، ناصر خسرو، ص. ۳۱۹)

این بخش اشاره دارد به آیه ۲ سوره‌ی مبارکه‌ی تین که می‌فرماید: «وَأَطُورِ سَيْنِينَ: و سو گند به طور سینا؛ در شعر مشاهده می‌شود که شاعر با عنوان قسمی، آیه مورد نظر را نشان می‌دهد و ذهن مخاطب را به آن متوجه می‌سازد.

ایزدش عطا داد به پیغمبر از یراک او یست حقیقت یکی از سبع مثانیش (همان، ص. ۲۹۶)

این بخش اشاره دارد به آیه ۸۷ سوره مبارکه حجر که می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ

العظیم: همانا هفت آیت با ثنا و این قرآن با عظمت را بر تو فرستادیم». در این شاهد مثال نیز دیده می‌شود ناصر خسرو با بهره بردن از یک کلمه از آیه‌ای از آیات قرآن به گونه‌ای آشنا، آیه و قرآن را به خواننده متذکر می‌شود.

نزدیک عاقلان عسل التحلم و اندر گلوی جاهل غسلیم (همان، ص. ۱۳۶)
این بخش اشاره دارد به آیه ۳۶ سوره مبارکه‌ی حاقه که می‌فرماید: وَ لَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسَايِنَ: و نه طعامی، جز از چرک و خون؛ ناصر خسرو در این بیت از یک واژه قرآنی به بهترین شکل ممکن استفاده می‌کند و این گونه می‌خواهد بگوید: جاهلان چون سخنم را درک نمی‌کنند برایشان چندان آور و غیر قابل تحملم اما عاقلان مرا بسیار دوست می‌دارند و پذیرا هستند.

این صورت خوب رانگه دار تانفگنیش به قعر سجین (همان، ص. ۵۰)
ناصر خسرو واژه «سجین» را از قرآن گرفته است. این بیت با استفاده از آیه ۷ سوره مبارکه مطففین سروده شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِّينَ: به درستی که نامه‌ی بدکاران هر آینه در سجین است.» (مطففین، ۷).
با در نظر گرفتن موارد فوق که به‌عنوان نمونه‌هایی از استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن اشاره شده است، می‌توان نتیجه گرفت که ناصر خسرو از منبع عظیم و ارزشمند کلمات قرآن بهره‌فراوانی برده تا ضمن بیان اعتقادات و نظرهای خود، مخاطب را به قرآن نیز ارجاع دهد.

۴-۲. اثر پذیری مضمونی

آشنایی ذهن و زبان ناصر خسرو با قرآن موجب شده است تا مضمون آیه‌ای از آیات قرآن ذهن‌گوینده را به‌سوی آفرینش ادبی سوق بدهد. در چنین مواردی مضمون آیه یا آیاتی را از قرآن گرفته و بر آن لباس دیگری از شعر پوشانده و در دیوان خود درج کرده است. در این شیوه، ناصر خسرو مانند دیگر بخش‌های دیوانش، خود را مقید به پیروی از شیوه‌ی خاصی نمی‌کند و با روش‌های متنوع، مفهوم و مضمون آیات را مورد استفاده قرار می‌دهد. ناصر خسرو که برای بیان نظر و عقاید خود می‌کوشد هرچه بیشتر به تعالیم دین میبین اسلام نزدیک شود و به خوانندگان خود توصیه می‌کند پیرو تعالیم اسلامی باشند، چه کلامی بهتر از قرآن می‌یابد که با یاری گرفتن از آن به نتیجه‌ی مورد نظر خود برسد. از جمله استفاده‌های مضمونی ناصر خسرو از آیات، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. موارد زیر نمونه‌هایی از اثر پذیری مضمونی ناصر خسرو از آیات قرآن است.

غایب نشده ست ایچ از اوّل کار تا آخر چیزی ز علم علام (همان، ص. ۶۹)
این بخشی اشاره دارد به آیه ۳ سوره‌ی مبارکه‌ی سبا که می‌فرماید: وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَأَنبَأْنَا السَّاعَةَ قُلْ بَلَىٰ وَ رَبِّي لَأَنبَأَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا

فی کتابِ مُبِینٍ: «کافران گفتند: قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد.» بگو: «آری به پروردگaram سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، پروردگاری که از غیب آگاه است و حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای در آسمانها و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر، مگر این که در کتابی آشکار ثبت است.»

خدایت یکی را به ده وعده کرده گرننداری به دل در خلل (همان، ص. ۴۶۲)
ناصر خسرو در این بیت از مضمون آیه‌ی ۱۶۱ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام استفاده کرده است که می‌فرماید: (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ مِّثْلُهَا؛ هر کس کار نیکی به‌جا آورد، ده برابر آن پاداش دارد).

خدایم سوی آل او ره نمود که جبل خدایست و خیرالرجال (همان، ص. ۲۵۱)
ناصر خسرو مضمون بیت مذکور را از آیه ۱۰۳ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام گرفته است که می‌فرماید: (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به ریسمان خدا [=قرآن]، و هرگونه وسیله وحدت الهی]، چنگ زیند، و پراکنده نشوید).

ز مکر و حیلت تو خفته نیست ایزد پاک بخوان و نیک بیندیش آبه الکرسی (همان، ص. ۳۶۲)
بیت مذکور برگرفته از آیه ۲۵۵ از سوره‌ی مبارکه‌ی بقره که می‌فرماید: اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ؛ خدای یکتاست که جز او خدایی نیست زنده و پاینده است هرگز او را کسالت و خواب فرانگیرد تا چه رسد که بخواب رود اوست مالک آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است که را این جرات است که در پیشگاه او به شفاعت برخیزد مگر به فرمان و اجازه او علم ازلی او محیط است آنچه از ازل پیش نظر خلق بوجود آمده است و آنچه سپس او تا ابد موجود خواهد شد و خلق به هیچ مرتبه علم او احاطه نتوانند کرد مگر به آنچه او خواهد قلمرو علمش از آسمانها و زمین فراتر و نگهبانی زمین و آسمان بر او آسان و بی زحمت چه او دانای بزرگوار و توانای با عظمت است.

از مکر خداوند همی هیچ نترسی زانست که با بنده پر از مکر و شکنجی (همان، ص. ۳۳۸)
این بیت برگرفته از آیه ۵۴ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران است که می‌فرماید: (وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ و یهود (و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش) توطئه کردند؛ و خداوند (برای حفظ او و آیینش)، تدبیر نمود؛ و خداوند، بهترین تدبیر کنندگان است).

بنگر نیکو تو از پی سخن ادريس چون به مکان العلی رسید ز هامون (همان، ص. ۹).

بیت برگرفته از آیات ۵۶ و ۵۷ از سوره‌ی مبارکه‌ی مریم که می‌فرماید: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِذْ رَسَّ اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا» و در این کتاب، از ادريس (نیز) یاد کن، او بسیار راستگو و پیامبر (بزرگی) بود و ما او را به مقام والاّی رساندیم.»

بنگر اندر لوح محفوظای پسر خطّهاش از کاینات و فاسدات
جز درختان نیست این خط را قلم نیست این خط را جز از دریا دوات (همان، ص. ۳۲۴)
مضمون این ابیات برگرفته از آیه ۲۷ سوره‌ی مبارکه‌ی لقمان است که می‌فرماید: «وَلَوْ اَنَّ مَا فِي الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَوْ اَقْلَامٍ وَ الْبَحْرِ بِمُدّهٍ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ اَجْرٍ مَا يَفِدْتُ كَلِمَاتِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریا به آن افزوده شود، (این‌ها همه تمام می‌شود ولی) کلمات خدا پایان نمی‌گیرد؛ خداوند توانا و حکیم است.»

۴-۳. اثر پذیری معنایی

در این نوع اثرپذیری از قرآن، ناصر خسرو ترجمه آیه یا آیاتی از قرآن را در بیت یا ابیاتی درج می‌کند. هر جا ناصر خسرو خود لازم می‌داند، آیه‌ای را ترجمه کرده و ترجمه آن را دستمایه آفرینش ادبی خود می‌کند.

گاهی ترجمه‌ی همه‌ی آیه و گاهی ترجمه تنها بخشی از آیه را ذکر می‌کند. علاوه بر این ناصر خسرو مطابق معمول شیوه و روش خود در برخی ترجمه‌ها دست برده و آن‌ها را مناسب با خواسته خود اندکی تغییر داده است. هر چند در برخی موارد تغییرات بیشتر است اما به‌راحتی می‌توان رنگ و بوی آیه‌ی مورد استفاده را دریافت. این نوع استفاده ناصر خسرو به هر صورتی که باشد بیانگر تسلط کافی او بر قرآن است. در این جا به برخی از این نوع استفاده ناصر خسرو از آیات قرآن را ذکر می‌کنیم.

بد من نیکی گردد چو کنم توبه که چنین کرد ایزد وعده به فرقانم (همان، ص. ۱۹۷)
بیت مذکور تقریباً ترجمه آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی مبارکه‌ی فرق است که می‌فرماید: «اَلَا مَنْ تَابَ وَ اٰمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا قَدْ وُكِّلَ اللّٰهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا» مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند سیئات آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است.»

بولهب با زن به پیشت می‌روندای ناصبی بنگر آنک زنش را در گردن افکنده کنی (همان، ص. ۹۸)
بیت مذکور ترجمه آیات ۴ و ۵ سوره‌ی مبارکه مسد است که می‌فرماید: «وَ اَمْرَانَهُ حَمَالَةَ الْحَطَبِ فِي جِدِّهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ» (نیز) همسرش، در حالی که هیزم کش (دوزخ) است، و در گردنش رشته‌ای از لیف خرما.»

آن شرابی که ز کافور مزاجست درو مهر مشکست بر آن پاک گوارنده شراب (همان، ص. ۱۸۷)
 بیت مذکور ترجمه بخشی از آیه ۵ از سوره مبارکه‌ی الانسان است که می‌فرماید: *إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا*: نیکو کاران از جامی می‌نوشند که آمیزه‌اش کافور است کافور است». این جهان را به جز از بادی و خوابی مشمر گر مقررّی به خدای و به رسول و به کتیب (همان، ص. ۵۲۰)

بخشی از بیت ذکر شده ترجمه قسمتی از آیه ۶۴ سوره‌ی مبارکه‌ی عنکبوت است که می‌فرماید: *أَوَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كُنُوا يَعْلَمُونَ*: این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و فقط سرای آخرت، سرای زندگی (واقعی) است، اگر می‌دانستند». بهره‌ی خویش از عمر فراموش مکن رهگذارت به حسابت نگه دار حسب (همان، ص. ۵۲۱)
 این بیت نیز ترجمه بخشی از آیه ۷۷ سوره‌ی مبارکه قصص است که می‌فرماید: *أَوَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الْبَارَ الْآخِرَةَ وَ لَتَأْتَسَّ بِصَيْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا*: و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن».

نیکی بدهد همان جزای نیکی بد را سوی او جز بدی جزانست (همان، ص. ۱۱۵)
 این بیت نیز ترجمه بخشی از آیه ۵۵ سوره‌ی مبارکه‌ی رحمن است که می‌فرماید: *«هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ*: آیا جزای نیکی جز نیکی است؟». همان گونه از شواهد ذکر شده بر می‌آید، ناصر خسرو به صورت گسترده از معانی قرآن در اشعار خود بهره برده است تا بنوعی تسلط خود بر قرآن را به رخ بکشد و ایده‌ها و تفکرات خود را آیات قرآن پیوند دهد و به مخاطب خود نشان دهد سخنان او برگرفته از آیات مقدس قرآن است.

۴-۴. اثرپذیری گزارشی

یکی از انواع اثرپذیری شاعران و نویسندگان فارسی زبان از قرآن و حدیث اثرپذیری گزارشی است. در این شیوه شاعر یا نویسنده مضمون حدیثی یا آیه‌ای را دستمایه آفرینش ادبی خود می‌کند و به دو شیوه ترجمه یا تفسیر آن را در کلام خود گزارش می‌کند؛ در این شیوه حتی گاهی نامی از گوینده حدیث به میان می‌آید. (راستگو، ۱۳۷۴، ص. ۳). در سخن ناصر خسرو بارها به این شیوه از آیات قرآن بهره برده است. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

یکت گوید برگی مگر به علم خدای نیوفتد ز درختی هگرز و نه ثمری (دیوان اشعار، ص. ۲۲۲)
 همان گونه که می‌بینیم این بیت به آیه ۵۹ سوره الانعام اشاره دارد که می‌فرماید: *«وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْفُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ*: و گنجینه‌های غیب تنها نزد اوست، جز او کسی آن‌ها را نمی‌داند و آنچه را که در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگی نمی‌فتد مگر این که آن را می‌داند

و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین فرو نمیفتد و نه هیچ تر و خشکی مگر این که آن‌ها را می‌داند. آری هیچ چیزی فرو نمیفتد مگر این که آن در کتابی روشن ثبت شده است». همچنین است در این بیت:

شیر دادار جهان بود پدرشان، نشکفت گرز ایشان برمند این که یکایک حمزند (همان، ص. ۶۶)
بیت اشاره دارد به آیات ۵۰ و ۵۱ سوره مدثر که می‌فرماید: «كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ. گویی گورخرانی ریمیده‌اند، که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند».

ناصر خسرو در جایی دیگر این بیت را گفته است:

وین هر چهار خواهر زاینده با بچگان بی عدد و مر
تسیح می‌کنندش پیوسته در زیر این کبود و تنک چادر
تسیح هفت چرخ شود دستی گر نیست گشته گوش ضمیرت کر (همان، ص. ۴۵)

به روشنی مشخص است که ناصر خسرو در این ابیات آیه ۴۶ سوره اسری را در نظر داشته است که می‌فرماید: «تَسِيحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسِيحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَأَنْفَعَهُنَّ تَسْيِحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيفًا عَفُورًا؛ آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آن‌ها هستند، همه تسیح او می‌گویند؛ و هیچ موجودی نیست، جز آنکه، تسیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسیح آن‌ها را نمی‌فهمید؛ او دارای حلم و آمرزنده است».

۴-۵. اثر پذیری تلمیحی از داستانهای قرآنی

داستان‌های قرآنی که گاه به روشنی در قرآن ذکر شده‌اند و گاه تنها اشاره‌ای گذرا به آن‌ها شده است، نیز مورد استفاده ناصر خسرو قرار گرفته‌اند. قرآن به اندازه‌ی کافی در روح و ذهن ناصر خسرو رسوخ کرده، همین موجب شده است تا داستان‌های قرآنی نیز از نظر او دور نماند، در آفرینش‌های ادبی خود و نیز در داستان‌ها و آموزه‌های عرفانی و دینی خود بهره‌ی لازم را از آن‌ها ببرد. ناگفته پیداست آوردن داستان‌های قرآن در دیوان ناصر خسرو و اشاره به آن‌ها تنها به خاطر بیان آشنایی وی با قرآن و تفاخر به آن نبوده است (نظیر آنچه در دیوان برخی شاعران می‌یابیم) بلکه ناصر خسرو بدون توجه به مورد مذکور، تنها برای تحکیم بخشیدن به اندیشه‌های خود و تأثیر عمیق‌تر آن‌ها در مخاطبانی است که دیوان ناصر خسرو را چراغ راه خود قرار داده‌اند.

شاید با بررسی بیشتر بتوان با قطعیت بیشتری این نکته را بیان کرد که استفاده ناصر خسرو از داستان‌های قرآنی نوعی برداشت و بهره‌برداری ساخت‌شکناکه از آیات قرآن است که در آثار کمتر شاعری می‌توان این نوع استفاده از قرآن را یافت. در این جا تنها به برخی از داستان‌های مورد استفاده در دیوان ناصر خسرو اشاره‌ای گذرا می‌شود.

آن قوم که در زیر شجر بیعت کردند چون جعفر و مقداد و چو سلمان و چو بوذر (همان، ص. ۵۰۸)

این بیت اشاره دارد به موضوعی که مضمون آیه ۱۸ سوره مبارکه‌ی فتح است که می‌فرماید:

«لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا؛

خداوند از مؤمنان، هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند، خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست؛ از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی را پاداش آن‌ها قرار داد».

کان هر دو فریخته به فعل خویش آید آویخته مانده اند در بابل (همان، ص. ۲۷۱)

روشن است که بیت مذکور اشاره دارد به داستان هاروت و ماروت که در قرآن به آن اشاره شده است. یکی از آیاتی که به این دو فرشته و داستانشان اشاره‌ای داشته است آیه ۱۰۲ سوره مبارکه‌ی بقره است که می‌فرماید:

«وَأْتَعُوهُمَا تَلَّوْا الشَّيَاطِينَ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ؛

و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی کردند. و سلیمان کافر نشد (و هرگز دست به سحر نیالود)؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. حال آنکه آن دو به هیچ کس چیزی (از سحر) یاد نمی‌دادند».

گر ز آدمی‌ای پور توبه باید کردن ز گناهانت همچو آدم (همان، ص. ۲۷۸)

بیت ذکر شده به روشنی به داستان حضرت آدم که یکی از قصص قرآنی است اشاره می‌کند. یکی از آیاتی که به داستان مذکور اشاره می‌کند آیه ۳۷ سوره مبارکه‌ی بقره است که می‌فرماید:

«فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آن‌ها توبه کرد). و خداوند توبه او را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است».

باز پرچین شودت روی و بخندی به فسوس چون بخوانم ز قرآن قصه‌ی اصحاب رقیم (همان، ص. ۳۵۷)

این بیت هم به یکی از داستان‌های قرآنی که همان داستان اصحاب کهف است اشاره می‌کند. یکی از آیاتی که به داستان اصحاب کهف اشاره کرده است آیه ۹ سوره مبارکه‌ی کهف است که می‌فرماید:

«أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا حُجُبًا؛ آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات شگفت‌انگیز ما بودند؟!»

هر که مر این آب را ندید، در این آب تشنه‌ی چو هاروت ماند غرقه‌ی چو ذوالنون (همان، ص. ۹)

این بیت نیز اشاره دارد به دو داستان قرآنی هاروت و حضرت یونس که در آیات ۱۰۲ از سوره مبارکه‌ی بقره و آیه ۸۷ سوره مبارکه‌ی انبیا به این داستان‌ها اشاره کرده است که می‌فرماید:

اتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا مِنَ الشَّيَاطِينِ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ وَ (يهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی کردند. و سلیمان کافر نشد (و هرگز دست به سحر نیاورد)؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند.»

۴-۶. اثرپذیری گزاره‌ای

گزاره به معنای عبارت است؛ هرگاه بخشی از یک آیه یا کل یک آیه عیناً مورد استفاده شاعر در سرودن شعر قرار گیرد، از آن با عنوان اثرپذیری گزاره‌ای یاد می‌شود. در این شیوه گوینده گزاره‌ای یعنی عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی بی‌هیچ گونه تغییر و دگرگونی و یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریز و گزیری نیست در سخن خود جای می‌دهد. این گونه بهره‌گیری از قرآن و حدیث با قصد و غرض‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد: تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی و فضل‌فروشی، هنر‌نمایی و...» (راستگو، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۰).

اثرپذیری گزاره‌ای خود دو نوع است. گاهی بخشی یا کل یک آیه بدون هیچ تغییری مور استفاده شاعر قرار می‌گیرد که از آن با عنوان اقتباس یا تضمین یاد می‌شود و زمانی هم شاعر با قرار گرفتن در تنگنای وزن یا قافیه و یا دیگر تنگناهای شعری آیه را دگرگون کرده و به نوعی آن را به شیوه مورد نیاز خود دگرگون می‌کند و از آن استفاده می‌کند. از این شیوه با عنوان حل یا تحلیل یاد می‌شود. ناصر خسرو از هر دو شیوه گزاره‌ای استفاده کرده‌است؛ وی گاه بخشی از یک آیه را گرفته و بدون تغییر در شعر خود درج می‌کند و گاه آیه را اندکی تغییر داده به نحوی که در معنی آن تغییر حاصل نشود بلکه تغییر، تنها از جهت آماده کردن آیه برای ورود در شعر ایجاد شده است. او وقتی که نکته‌های اخلاقی را آموزش می‌دهد، پس از ذکر مطالب مورد نظر خود و پس از آن که نکته اخلاقی را می‌آموزد، در پایان برای تحکیم آموزش خود و به نوعی تقدس بخشیدن به کلام خود، آیات قرآن را به باری طلبیده، از آنها استفاده می‌کند و به گونه‌های ذهن خواننده را متوجه این نکته می‌کند که مطلب ذکر شده، مورد عنایت خداوند بوده و در قرآن ذکر شده است؛ به همین خاطر با بیان بخشی از آیه ذهن خواننده را متوجه قرآن می‌کند. در این جا به برخی از شواهد این شیوه‌ی استفاده در دیوان ناصر خسرو اشاره می‌کنیم.

ناصر خسرو از هر دو نوع اثرپذیری گزاره‌ای استفاده کرده‌است هرچند اغلب استفاده‌های گزاره‌ای ناصر خسرو از نوع حل یا تحلیل است تا اقتباس و تضمین؛ اما نمونه‌هایی هر چند اندک از نوع اقتباس و تضمین نیز می‌توان در دیوان ناصر خسرو یافت. یعنی ناصر خسرو اغلب عبارات قرآنی را جهت استفاده در شعر خود اندکی تغییر داده است و به زبانی دیگر آن را در قالب شعر خود ریخته و همان معنا و مفهوم مورد نظر قرآن را با استفاده از آن عبارات افاده می‌کند؛ از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

کس نتواند خلق پنداری همی مسلمات مومنات قانتات (دیوان اشعار، ص. ۳۲۵)

همان گونه که دیده می شود در آیات بالا بخشی از آیه ۵ سوره ی مبارکه ی تحریم آمده است که می فرماید: «عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَرْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ تَيَبَّاتٍ وَأَبْكَارًا؛ (ای همسران پیامبر) اگر او شما را طلاق دهد، امید است پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کننده، عبادت کار، هجرت کننده، زنانی غیر باکره و باکره».

مکن هرگز بدو فعلی اضافه کن که خرد داری به جز ابداع یک مبدع کلمح العین او ادنا (همان، ص. ۲)

ناصر خسرو در بیت مذکور بخشی از آیه ۷۷ سوره ی مبارکه ی نحل را ذکر کرده است که این آیه می فرماید: «وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أُمِرَ الشَّاعِرُ إِلَّا كَلِمَاتٍ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذُنُوبِهِمْ قَدِيرٌ: غیب آسمانها و زمین، مخصوص خداست (و او همه را می داند)؛ و امر قیامت (به قدری نزدیک و آسان است) درست همانند چشم برهم زدن، و یا از آن هم نزدیکتر؛ چرا که خدا بر هر چیزی تواناست».

چو تشنه نباشد کس آنجا پس آن چه جای شراب هنی و مریست (همان، ص. ۱۱۴)

ناصر خسرو در این بیت بخشی از آیه ۴ سوره نساء را ذکر کرده است که می فرماید: «فَكُلُوْهُ هَنِيْئًا مَّرِيَّةً: به خوشدلی می خورید آن را نوشنده و گوارنده».

چه خطر دارد این پلید نبیید عند کاس مزاجها کافور؟ (همان، ص. ۷۷)

ناصر خسرو در این بیت از آیه ۵ سوره دهر استفاده کرده است که می فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا: ابرار از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است».

۴-۷. اثر پذیری الهامی-بنیادی

یکی دیگر از شیوه های تأثیر پذیری ناصر خسرو، شیوه الهامی-بنیادی است. در شیوه الهامی-بنیادی گوینده پایه و اساس سخن خود را بر آیه های از آیات قرآن بنیاد می گذارد و با الهام از آن سخن خود را بیان می کند به گونه ای که افرادی که با آن آیه یا حدیث آشنایی داشته باشند این الهام را به نیکی درمی یابند. گاه این پیوند آن گونه نزدیک است که تصور می شود ترجمه حدیث یا آیه را بیان کرده است و زمانی هم چنان دور و دشواریاب است که به سختی می توان آن را دریافت. (موسوی و ذوالفقاری، ۱۳۸۴، ص. ۴).

با دقت در این نوع اثر پذیری و مقایسه آن با اثر پذیری معنایی می توان تفاوت این دو نوع را این گونه عنوان کرد که در اثر پذیری معنایی شاعر معنای یک یا چند آیه را عیناً به شعر در می آورد اما در اثر پذیری الهامی عین معنای آیه به شعر منتقل نمی شود بلکه پیام نهایی و غایی آیه دستمایه

آفرینش ادبی شاعر می‌شود. در دیوان ناصر خسرو از این نوع اثرپذیری هم می‌توان نمونه‌هایی چند یافت. از آن جمله است موارد ذیل است:

گر من در این سرای نبینم در آن سرای امروز جای خویش چه باشد بصر مرا (همان، ص. ۱۲)
ناصر خسرو بیت را از آیه ۷۲ سوره مبارکه اسری الهام گرفته است که می‌فرماید: (وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهَوَّيْ فِي الْأَخْرَةِ أَعْمَىٰ وَ أَضَلُّ سَبِيلًا: اَمَّا كَسِي كَه فِي هَذِهِ جِهَان (از دیدن چهره حق) نالینا بوده است، در آخرت نیز نالینا و گمراهتر است».

همچنین ناصر خسرو در بیت دیگر این گونه می‌گوید:

بچه ماند جهان مگر به سراب سپس او تو چون دوی بشتاب (همان، ص. ۲۷)
این بیت الهام گرفته از آیه ۳۹ سوره مبارکه نور است که می‌فرماید: (وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَغْلَظُ كَسْرَابٍ بِقِيَعَةٍ حَسْبُهُ الظَّمآنُ مَاءٌ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَائِبًا: كَسَانِي كَه كَافِر شَدَنَد، اَعْمَالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه (از دور) آن را آب می‌پندارد».

کارهای چپ و بلایه مکن که به دست چیت دهند کتاب (همان، ص. ۲۹)
ناصر خسرو برای سرودن این بیت از آیه ۲۵ سوره مبارکه الحاقه الهام گرفته است که می‌فرماید: (وَ اَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِرَاةٍ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ اُوتَ كِتَابِيَهٗ: اَمَّا كَسِي كَه نَامه اَعْمَالش را به دست چپش بدهند می‌گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم رابه من نمی‌دادند».

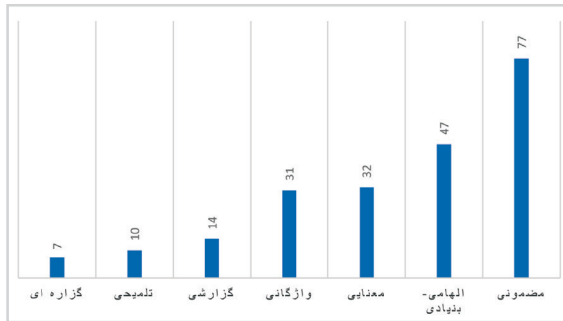
۵. بسامد انواع تأثیرپذیری

چگونگی استفاده شاعران و نویسندگان از کلام دیگران و از جمله آیات و احادیث در آثار خود به عواملی چند وابسته است؛ از جمله مهم‌ترین عواملی که بر چگونگی استفاده از آیات و احادیث تأثیر دارد، یکی توانایی شاعر در درج آیه یا معنا و مفهوم یا واژه‌های آن در شعر است و دیگری میزان تسلط شاعر بر قرآن است. به بیان دیگر، میزان دانش شاعر از قرآن و تسلط وی بر جوانب مختلف قرآن از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر چگونگی استفاده از آیات قرآن است.

حفظ قرآن توسط ناصر خسرو و تسلط وی بر مفاهیم و معانی و دستورات قرآنی و همچنین تسلط وی بر فرامین اندیشه‌های اسلامی در کنار قدرت شاعری و توانایی به خدمت گرفتن مفاهیم و مضامین مختلف توسط ناصر خسرو همه از جمله عواملی هستند که موجب شده ناصر خسرو در بیان تفکرات دینی و تربیتی خود به طور گسترده از آیات قرآن بهره‌برد.

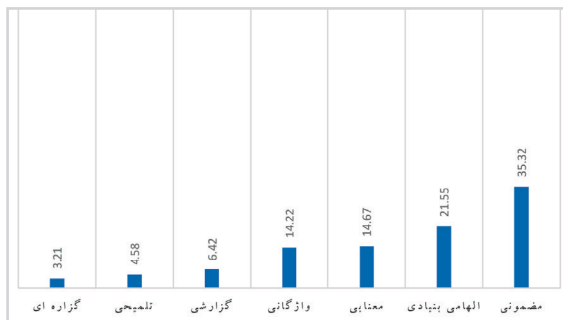
همان‌گونه که پیش‌تر دیدیم، ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن، شیوه‌های متنوعی داشته است؛ اما با دقت در دیوان وی می‌توان به این حقیقت رسید که جایگاه شیوه‌های ذکر شده در دیوان ناصر خسرو یکسان نیست؛ یعنی ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن ضمن استفاده از شیوه‌های متنوع

به برخی شیوه‌ها بیشتر نظر داشته و از شیوه‌های دیگر کمتر استفاده کرده است. نمودار زیر نشان دهنده میزان استفاده ناصر خسرو از شیوه‌های مختلف تأثیرپذیری از آیات نورانی وحی است.



نمودار ۱: بسامد انواع تأثیرپذیری ناصر خسرو از آیات قرآن

با دقت در نمودار مذکور می‌توان به روشنی دریافت که شیوه مورد علاقه ناصر خسرو در استفاده از آیات قرآن، بهره‌گیری از مضمون آیات است؛ این نکته مبین تسلط ناصر خسرو بر مفاهیم قرآنی و استفاده از آنها متناسب با ساختار و دستور زبان فارسی است. همچنین شیوه‌های الهامی-بنیادی و معنایی در ردیف‌های بعد قرار دارند. با بررسی همه دیوان ناصر خسرو و تهیه آمار، میزان علاقه‌مندی ناصر خسرو به انواع شیوه‌های تأثیرپذیری مشخص شد. در نمودار زیر درصد استفاده از شیوه‌های مختلف نشان داده شده است.



نمودار ۲: درصد شیوه‌های تأثیر ناصر خسرو از آیات قرآن کریم

۵. نتیجه‌گیری

رسالتی که ناصر خسرو برای خود و شعرش متصور بود، دلیل روشن برای تأثیرپذیری همه‌جانبه از آیات نورانی قرآن است. انس ناصر خسرو با قرآن و تسلط وی بر مفاهیم و فرامین آن و هم‌چنین وابستگی ذهن و زبان او به قرآن موجب استفاده متنوع از آیات قرآن شده است. ناصر خسرو از این مفاهیم برای انتقال هدف تربیتی خود به خواننده به‌خوبی بهره برده است. ناصر خسرو بیشتر از مضامین و معانی آیات قرآن بهره برده است و استفاده از عین عبارات و گزاره‌های قرآنی در دیوان ناصر خسرو در مقایسه با دیگر شیوه‌ها چندان جایگاهی ندارد. با بررسی و دقت در همه اشعار دیوان ناصر خسرو بسامد شیوه‌های اثرپذیری از آیات قرآن به این شرح است: مضمونی ۳۵/۳۲ درصد، الهامی-بنیادی ۲۱/۵۵ درصد، معنایی ۱۴/۶۷ درصد، واژگانی ۱۴/۲۲ گزارشی ۶/۴۲ درصد، تلمیحی ۴/۵۸ درصد، گزاره‌ای ۳/۲۱ درصد. باید در نظر داشت که رنگ تأثیرپذیری ناصر خسرو با دیگر شاعران و نویسندگان فارسی زبان متفاوت است؛ این تفاوت از این جهت است که ناصر خسرو کوشیده است هرگاه از آیات بهره‌ای می‌برد، صرف نقل قول نباشد بلکه خود را نیز در لایه‌ای مفاهیم و مضامین قرآنی به رخ خواننده بکشد و به‌نوعی مفاهیم قرآنی را با کلام خود بیان کرده است؛ از این رو عین عبارات قرآنی در شعر ناصر خسرو حضوری کم‌رنگ دارند و این نشان تسلط ناصر خسرو بر مفاهیم قرآن و توانایی او در به کار گرفتن این مفاهیم در شعر خود است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۶). ترجمه الهی قمشه‌ای. قم: دانش.
- حلی، علی اصغر (۱۳۹۳). تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی. تهران: اساطیر.
- رادمنش، سیدمحمد (۱۳۸۰). تصویرهای قرآنی در آثار منظوم جامی. فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، (۲)۲، ۷۱-۸۲.
- راست‌گو، سیدمحمد (۱۳۷۴). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت.
- روحانی، رضا (۱۳۸۱). قرآن و تاویل آن از دیدگاه ناصر خسرو. فصلنامه الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، ۵۸، ۵۷-۹۳.
- سبزیان پور، وحید (۱۳۸۳). مطالعه مورد پژوهانه در تأثیر قرآن در ادبیات فارسی. پژوهش‌های قرآنی، ۷۵ (۱)، ۹۵-۱۲۰.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۸). تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوس.
- قبادیانی بلخی، ناصرین خسرو (۱۳۸۷). دیوان اشعار (تصحیح: مجتبی مینوی و مهدی محقق). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قربانی زرین، باقر (۱۳۸۳). جایگاه قرآن و حدیث در شعر فارسی سده سوم و چهارم هجری. مجله سفینه، ۳، ۳۲-۴۷.
- محقق، مهدی (۱۳۷۴). تحلیل اشعار ناصر خسرو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- محقق، مهدی (۱۳۸۲). تعلیقات بر دیوان ناصر خسرو. نامه‌ی پارسی، ۲۹، ۲۲۱-۲۴۱.
- مدرس زاده، عبدالرضا (۱۳۸۶). واژگان خاص در شعر ناصر خسرو. زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی اراک)، ۱۲، ۱۳۵-۱۵۲.
- موسوی، سیده زهرا و ذوالفقاری، محسن (۱۳۸۴). نقد شیوه‌های تأثیر پذیری در شعر ناصر خسرو. زیبایی شناسی ادبی، ۳، ۵۷-۷۷.
- نوریان، مهدی (۱۳۸۲). برخی دشواری‌های متن دیوان ناصر خسرو. نامه‌ی پارسی، ۲۹، ۲۷۹-۸۷.
- هانسبرگر، آلیس سی (۱۳۸۰). ناصر خسرو لعل بدخشان (مترجم: فریدون بدره‌ای). تهران: فرزانه.
- یوسفی، محمد رضا (۱۳۸۷). چگونگی ورود قرآن و حدیث به شعر فارسی. پژوهش نامه قرآن و حدیث، ۵، ۹۷-۱۱۶.